

fortuitous شانس آفاتی
 dean دین (ناشد) - رئیس
 oscillate تکان دادن
 brusquely تقویری ادبانه
 gear دنده / لازم دانه / آگاه
 fluidity روانی بیان
 dilemma مسئله پیچیده - وضع دشوار
 * imaginative = creative
 * contention = debate
 inquire پرسش در سبک پرسش
 intertwine درهم پیچیدن
 * reasonable = sufficient
 * elaboration = development
 scruffy زودپوش - ناخوب
 caterpillar کرم خدایا - تارکوزر خدایا
 holistic همگانه - کلی
 prune هرس کردن
 heap توده، کپه، انبوه، گروه، جمعیت
 chimney دودکش بخاری
 Patent امتیاز نامه / محسوس، آزاد
 perennial همیشگی، دائمی، ابدی
 shrimp صگو
 germinate جوانه زدن، سبز شدن
 substrate سفوف، لایه، زیر لایه
 cobble سنگریزه

estuary دهانه رودخانه که در محل تلاقی رودخانه و دریا قرار می‌گیرد
 brackish شور و شیرین
 oyster صدف خوراکی
 hamper از کار باز داشتن، مانع شدن
 fringes حاشیه، کناره، حاشیه
 smother در دل نگاه داشتن، خفه کردن
 dredge لایروبی
 herbicide علف کش
 mowing ماشین علف چینی
 etching حکم زنی
 engrave حکاکی کردن
 tonal آهنگی، صوتی
 obsolete منسوخ، باز کار افتاده
 destine قصد کردن
 prolific حاصلخیز - فراوان
 emulsion امولسیون
 insight (into) بصیرت
 plummet کند / سرازیر شدن
 assortment ترتیب، مجموعه، طیف
 binding الزام آورده، ابعادی
 interstellar بین ستاره‌ای
 * allusion = reference کنایه، اشاره
 * enigmatic عجمی، مبهم
 retractor سفت، جسم نوزاد
 * pristine = pure خالص
 volatile ناپایدار
 distill تقطیر کردن - جکندن
 distilled آب مقطر، جکند شده
 litter آشغال، زباله

topple برآوردن، وارگونی کردن
 handout فوبت بازی، هدیه و پلاکارت
 lump قلمبه و مجموعه پوده / توده کربن
 cannon توپ
 strand تپه‌دشت، تپه‌دشت، تپه‌دشت
 ribbon نوار - روبان
 radiant تابناک - درخشان
 impenetrable غیر قابل رخنه و نفوذ
 * apart from = besides صرف نظر از
 husbandry کسب و کاری، باغبانی
 horticulture علم باغبانی
 mare کبابوس، جازوگر، کباب
 reclaim اصلاح کردن - خاک دامن کردن
 lease اجاره دادن / گرفتن
 * relatively = comparatively
 * discern = identify
 * revised = changed
 time = زمان
 radical رادیکال
 * improvisational = unrehearsed
 intangible درگیر، ناملموس
 recital تک نوازی
 sway تاب خوردن، چرخیدن
 rebellion شورش
 renowned مشهور - معروف
 appall وحشت زدن، شرم زدن
 excreting مستفید

تهران: میدان امام حسین (ع) خیابان دماوند نرسیده به پل نارمک نبش خیابان زو کش جنب پلاک ۸۶۴

pliable خم پذیر، قابل انعطاف
 cord سیم، طناب
 sturdy محکم و قوی، مستحکم
 stitch بخیه کردن
 alliance پیوند، اتحاد
 brittle شکننده، بی رطوبت
 shatter-shatterly خرد کردن، خرد شدن
 slat تخته، شانه، پرده
 constrict تنگ کردن، محدود کردن
 surge موج، جریان، هجوم
 understatement دست کم گفتن
 rehearsal تمرین، تکرار
 nightmare کابوس
 ensemble مجموعه، تئاتر
 coincidence توافقی، تطبیق
 submission مطوع، تسلیم
 blind spot نقطه کور، نقطه ضعف
 sweat عرق کردن، عرق
 pant نفس، ضربه، لرزش
 thither آنجا، به آن طرف
 unwitting بی اطلاع، جاهل
 strive کوشش، کوشش کردن
 discern تشخیص، دانستن
 constellation صورت فلکی، ستاره
 racket راکت، بازی، خودگردانی
 chamber اتاق، خوابگاه، بارگاه
 agitate تحريك کردن، برانگیختن
 epic رزمی و حماسی
 remnant بقیه، باقی، آوار
 equivalent برابر، مترادف
 monastery صومعه، خانقاه
 scrap تکه، پاره، دور انداختن
 abrasive ساینده، تخریب کننده

theorem قضیه، برهان
 scroll طیار، نوشتن، دستنویس
 auction حراج، مزایده
 decipher فاش کردن، رمزگشایی
 secrete پنهان کردن، ترسان کردن
 jangle جingle کردن، دزدان گله
 timber چوب، باغچه، لاری، لاری
 reliance اعتماد
 tutelage سرپرستی، قیمیت
 kinship خویشاوندی، بستگی
 repudiate رد کردن، انکار کردن
 further (further) گسترش، به جلو بردن
 confederacy اتحاد، وفاق، پیمان
 multiplicity کثرت، بسیار
 bond قید، تعهد، پیوند
 aristocratic اشرافی
 superiority برتری
 loyalty وفاداری، صداقت
 pack up بستن، ایزد کردن
 pasture چراگاه، چرایدن
 self-assertion ابراز وجود
 monetary پولی
 prowl پراور، پراور، جستجو
 in order of برای، به سبب
 interplay=interaction تداخل، تفاعل
 descriptive توصیفی
 alkali قلیا، قلیایی
 due to به علت
 analogous=similar to مشابه، متناسب
 designate تعیین کردن، مشخص کردن
 residual باقی مانده، باقی
 postulate=hypothesize فرض کردن، فرضیه
 hub مرکز، قطب
 meager کم، اندک

Primordial اصلي، اصيل
 eventually=over time سرانجام، در وقت
 merit شایسته
 asset دارایی، اموال
 drawback عیب، نقطه ضعف
 liability مسئولیت، تعهد
 Critical حرج، حاشی
 consistency پیوستگی
 prominent برجسته، ودا
 pragmatic عملی، واقع گرا
 indispensable واجب و ضروری
 commodity وسیله مناسب، قاعده
 alluvial رسوبی، آبرفتی
 fecund حاصلخیز، پرثمر
 loam خاک کدو
 sterile نابارور، بارور
 proliferation تکثیر، بازتولید
 nuance فتن، ظرافت، فرق
 clutch طاق، دسته، محکم کردن
 momentous=very important مهم، عظیم
 momentous decision تصمیم مهم
 sedentary نشسته، غیر متحرک
 vicinity مجاورت، همجایی
 clans طایفه، قبیله
 pit گودال، چاه، برکت
 *cramp گرفتگی، تشنج
 lane راه، باریک، کوچه
 telltale خبرگش، آشکار
 abrasion سایش، خراش
 testify گواهی، شهادت
 agency=force عامل، نیرو
 scavenger زباله خوار، زباله گرد
 terrestrial زمینی، خاکی
 occupant ساکن، مستاجر
 marrow مغز، مغز
 volatile متغی، متغی
 silhouette سایه، تصویر

Constituent سازنده، جزء اصلی، اجزای سازنده
 prospect = possibility
 deprivation محرومیت، فقدان
 superb عالی، بسیار خوب، باشکوه
 iridescent رنگین کمانی
 sap شیره کشیدن از، شیره، عصاره، هضم کردن
 tar گسترش کردن، قیر مالیدن به
 subduction زیر کشی، فرو کشی، فرو بردن
 frenzy دیوانه گری، شور و شوق کردن
 ferocious وحشی
 remnant باقی مانده، ابرقیه
 versatility تنوع و مهارت، تطبیق پذیری
 essence هستی و وجود، ماهیت، اساس
 tame رام و اهلی حیوانات، بیگانه
 pens قلم، شوره تارشی / حیوانات اهلی
 corral = barn آغل، چهار در بستن
 substantiate = confirmed اثبات کردن
 paradigm نمونه، آیه، کتاب مقدس
 heterogeneous = varied متنوع
 companion همراه، همدم، چنانچه
 deflect منحرف کردن، شکستن، منحرف کردن
 disintegrate فرو بردن، تجزیه شدن
 asteroid ستاره مانند
 flipper باله شنا
 sheer صرف، محض، خالص، کاملاً
 sheer صرف، محض، خالص، کاملاً

recur تکرار شدن، تکرار شدن
 consensus = agreement توافق عمومی، اجماع
 peripheral پیرامونی
 repudiate = reject رد کردن، انکار کردن
 fellowship رفاهت و همبستگی، گفتره
 ethic = a set of moral principles اخلاق
 intrinsically = fundamentally ذاتی، اساسی
 revenue بازده، درآمد، مانع
 uneven نامنظم، نامساوی
 was bolder = believed to be incorrect جسارت و جسورانه
 substance جنس و ماده اصلی، مفهوم، استقامت
 meager = thin کم، نازک
 correlation همبستگی، ربط
 immensity زیاد، بی‌پایان، عظمت
 irresistible شغاف و قوی، اجتناب ناپذیر
 hull پوست، قشر، لایه کشی، پوست کردن
 mast سیم، دکل
 plumage پرهای
 fissure شکاف، ترک، گشایش
 scrub خارستان / مالدین و خارستان
 canopy سایبان / سقف
 collar قهقهه، گردن
 courtship افراط عشق و عشق بازی
 inflate = enlarge باد کردن، متورم کردن
 Sac کیسه (عضو که مانند مایه)
 fling پرت کردن، پرت کردن، پرت کردن
 repel دفع کردن، باز کردن

pierce سوراخ کردن، گشایش
 *impediment = obstruction مانع، مانع، مانع
 *exploit = make use of استفاده کردن، بهره‌برداری
 hindered مانع کردن، مانع کردن
 *conspicuous = noticeable متوجه کردن، متوجه کردن
 thrust فرو کردن، فرو کردن، فرو کردن
 astrolabe آنکه نمون
 obliterate محو کردن، پاک کردن، زود کردن
 riot شورش و آشوب و شورش
 dull کوبیدن، کند، گرفته، متاثر کردن، متاثر کردن
 *signal = communicate علامت دادن، اطلاع دادن
 exclude محروم کردن، مانع کردن، مانع کردن
 thorn خار و تیغ، صوبه نازکی
 heliocentric وابسته به مرکز خورشید
 harbor بندرگاه / پناهگاه، پناهگاه
 abolish = end برانداختن، منسوخ کردن
 definite قطعی
 stake محکم کردن، شرط بندی کردن
 stake out = act of keeping watch حراست
 fetus جنین انسان
 congenital مادرزادی - ارثی، ذاتی
 toll تاج، هزینه
 *skeptical = doubtful شکاک
 anecdotal حکایتی
 impend در شرف بودن، آوارگی کردن
 incongruous نامتناسب
 *flaw = fault نقص، عیب، عیب
 pellet گلوله سوراخ - به شکل گلوله در آتش

تهران : میدان امام حسین (ع) خیابان دماوند نرسیده به پل نارمک نبش خیابان زرکش جنب پلاک ۸۶۴، کد پستی

rebellion ^{مطهر، طغیان}

Kiln ^{کوره، کوره}

* entitled to = Given the right to

entwine ^{مافتن، بهم پیوستن}

auxiliary ^{کمکی}

regiment ^{دسته، تنظیم کردن}

whence ^{از کجاست، از کجا، از کجاست}

cosmopolitan ^{بین‌المللی}

resentment ^{دشمنی، چشم‌غش}

exposure ^{در معرض قرار گرفتن، آشفتگی}

patron ^{حامی، مشتری}

residue ^{باقی‌مانده، بقیه}

transient ^{گذرا، موقت، فانی، گذرا}

discard ^{دور انداختن، طرد کردن}

reluctant ^{بی‌میل}

axial ^{محوری}

negate ^{نفی، رد کردن}

oval ^{بیضی، بیضی}

elliptical ^{بیضی شکل، بیضی}

bureaucracy ^{مقررات اداری}

speckled ^{نقطه‌چین، چینه‌چین}

coral island ^{جزیره مرجانی}

dissuade ^{دور داشتن، ترساندن}

squirt ^{پاشیدن، پاشیدن}

blemish ^{خدشه، عیب، لکه}

lopside ^{کج، نامتوازن}

progression ^{تدریج، تدریج}

commemorate ^{به یاد آوردن، یادداشت کردن}

sake ^{منظور، خاطر، به خاطر}

tossup ^{مشت و تاراج}

sigh ^{افسوس، تنه، آه}

override ^{باز کردن، برتر بودن}

* Sole = exclusive

wane ^{کم شدن، کاهش}

inhale ^{تنفس کردن}

congestion ^{گرفتگی، تراکم}

indigenous ^{طبیعی، بومی}

peck ^{توک، دندان زدن}

* resume = restart

* considerable = significant

irritant - irritation ^{تحریک، تحریک}

* gain = increase

* Conversely = on the other hand

fate ^{سرنوشت، تقدیر}

ram ^{گوسفند، گوسفند}

* traumatic = highly stressful

primate ^{پستاندار}

hierarchy ^{سلسله مراتب}

raven ^{کلاغ، کلاغ}

corvidae = bird family

* additional = further

mar ^{دور کردن، خاک کردن}

empathy ^{همدلی، همدلی}

arid ^{خشک، بی‌برق}

closure ^{در بسته، بستن}

* termed = called

~~controversial~~

tortuous ^{پیچیده، پیچیده}

contour ^{محیط، خط}

ox-oxen ^{گاو، گاو}

sparse ^{کم، پراکنده}

* albeit = though

knit ^{مافتن، بهم پیوستن}

beast ^{وحش، حیوان}

adze ^{تخت‌چین}

* endeavor = effort

captive ^{اسیر، زندانی}

taut ^{متراکم، سفت}

rut ^{مهی، هیولت، طغیان}

glandular-gland ^{غده، غده}

vicinity ^{محارت، همجایی}

scrape ^{تراشیدن، خراشیدن}

* induce = stimulate

inscription ^{نوشت، ثبت، نقش}

tackle ^{اسباب و لوازم کار، تجهیزات}

unfold ^{آشکار و فاش کردن، باز کردن}

chronologically ^{به ترتیب وقوع}

conclusive ^{قطعی، نهایی، قاطع}

eclipse ^{کسوف، خسوف}

elusive ^{گریزان، غریزی، متحرک}

* invariably ^{همواره، مطلقاً، همیشه}

* substantial = large

* humble = modest

dump ^{دور برداری کردن}

* graphically = vividly

exclusion ^{محرومیت، انحصار، دفع}

mortality ^{تلف و مرگ، تلف}

* indigenous = native

* supersede ^{جایگزینی، جایگزینی}

cloak ^{عباءه، پتافان، کپوش}

heroine ^{سازمان}

pride ^{مباهان، کبر، غرور}

faint ^{صفت و کم‌رنگ، ضعیف، شل}

gauge ^{مقیاس، اندازه، اندازه‌گیری}

shimmer ^{لمرزدن، درخشش، چرخش}

anchor ^{لنگر انداختن، محکم کردن}

perish ^{مردن، نابود کردن}

resilient ^{قوی، پویا، سرکش}

presage ^{فشار، علامت، خبر، آزار}

freight ^{کرایه، بار حمل کردن، غنی داشتن}

propel ^{سوی دادن، حرکت دادن، پیش بردن}

mouthful ^{لقمه، دهان پر}

allot ^{تخصیص دادن، بهمان}

eligible ^{مطلوب، قابل انتخاب، واجد شرایط}

undue زاری، ناروا، غیر ضروری
 rivalry رقابت، هم‌چسبی
 exhaustive جامع، کامل، پهن، پراکنده
 compatible سازگار، موافق، سازگار
 discrepancy اختلاف، ناهماهنگی
 discord آهنگ، ناهماهنگی، ناهماهنگی
 strife ستیزه، دعوا، کشاکش، نزاع
 submissive مطیع، فروتن، خاضع
 expenditure هزینه، مخارج، صرفه، براداری
 increment افزایش، ترقی، بهره
 *innumerable = countless بی‌شمار
 punctuate نقطه‌گذاری، تکرار کردن
 equilibrium تعادل، اتزان، سکون
 poise توازن، وضع، نگاهداری، وقار
 rudimentary = basic اولیه، ناقص
 guardian نگهبان، قیم، ولی
 autonomy خودمختاری، خودمختاری
 Ironically از روی طعنه
 sustain نگه‌داشتن، عمل کردن، چکاندن
 equinox اعتدالین، برابران
 reckon محاسبه کردن، برآورد کردن
 pilgrimage زیارت، سفر زیارتی
 sacred مقدس، روحانی، دینی
 *relentless بی‌رحم
 resort به‌کار بردن، پناه بردن
 imperceptibly به تدریج
 *colossal = enormous عظیم
 *sequence = order ترتیب
 interbreed آمیختن، نژاد آمیزی

diverge از هم دور شدن، انشعاب یافتن
 cross-country
 quotient
 readiness
 *Whereas = Although
 *comprehensive = thorough
 *notably =
 leaching
 lush

aesthetic
 virtuosity
penchant inclination
 antecedent
 deem
 prosperity = flourish = thrive
 cavity & cervice
 grace
 pace
 stabilizing
 susceptible
 chilly
 rigorously
 verbalize
 neonate
 diffuse
 assessment
 apparatus
vogue
 auditory
 olfactory
 evoke = call upon
discriminate
 * offset
conflate
 endorse
 adept = skillful

presumably
 sponge
 leak = percolate
 dike
 carnivore
 expansionist = development
 forage
 heredity
exceed
calve
 debris
 surplus
 complement
 mediocre
 arduous
 breakthrough
 unprecedented
 ranch(er) shepherd
 ensue
 negligible
 virtually = almost
 replenish = refill
 plentiful
 acreage
 grandiose
 partial
 boom

contradiction
 disguise
 affinity
 dwell
 embed
 trace = vestigial
 rear
 propulsive
 parlor & arcade
 minstrel
 manipulation
 pest
 temperate
similarity = likewise
 pale
 vacate
 intact
 inlet
 mule
 prairie
marshy
 swamp = meadow
 decay
 dormancy
 inactive
 dormant

clump ^{دسته، انبوه، توده}
exaltate = intensify

compensation ^{جبران، جبران، غرامت، جبران}

understory ^{جنبش}

fodder ^{علوفه، علوفه، دان}

be moan ^{گریه، زاری، زاری، زاری}

succulent

frontier

extermination ^{دفع، آماج}

encroach ^{تجاوز، تجاوز، تجاوز}

wilderness

rebound

restoration = revise

bead ^{قطره، قطره، قطره}

principal = major

herd ^{گله، گله، گله}

explicit

tusk

contine ^{محدود، محدود، محدود}

engrave ^{حکاکی، حکاکی، حکاکی}

figurine ^{مجسمه، مجسمه، مجسمه}

accumulate = build up

squeez ^{فشار، فشار، فشار}

dismantle ^{تفکیک، تفکیک، تفکیک}

gush = spout ^{دهان، دهان، دهان}

gusher

dye

hostile

gently

spill ^{ریختن، ریختن، ریختن}

slick ^{کلیک، کلیک، کلیک}

foul ^{فول، فول، فول}

notoriously

deficient or deficit

mist ^{مه، مه، مه}

herbaceous ^{گیاهی، گیاهی، گیاهی}

pathogen ^{مسبب، مسبب، مسبب}

mediation

trial ^{آزمایش، آزمایش، آزمایش}

compost ^{کود، کود، کود}

smelt

scatter (ed)

fanciful

exclusive ^{انحصاری، انحصاری، انحصاری}

implicit ^{تلقین، تلقین، تلقین}

deprecate ^{مذمت، مذمت، مذمت}

reed ^{نی، نی، نی}

prevail ^{مقدار، مقدار، مقدار}

Voyage ^{سفر، سفر، سفر}

deliberate ^{عمدا، عمدا، عمدا}

descendant ^{نسل، نسل، نسل}

mite

harness

reciprocate ^{تقابل، تقابل، تقابل}

rival

flicker

blast ^{فشار، فشار، فشار}

monopoly = exclusive

haul ^{کشی، کشی، کشی}

spring - sprang ^{بهار، بهار، بهار}

ubiquitous ^{حاضر، حاضر، حاضر}

infantile ^{نوجوان، نوجوان، نوجوان}

sheer ^{مافوق، مافوق، مافوق}

plausible ^{قانع، قانع، قانع}

incompatibility ^{نامتجان، نامتجان، نامتجان}

objective = purpose

invertebrate ^{بدون، بدون، بدون}

silt ^{لجن، لجن، لجن}

strait ^{تنگ، تنگ، تنگ}

deluge ^{سيل، سيل، سيل}

ooze ^{سرازیر، سرازیر، سرازیر}

cripple to cope

realm ^{دولت و مملکت}

entity ^{موجود}

utterly

obsession with = fixation on

conquest

orderly ^{منظم و منظم}

infinitely ^{بی اندازه، بی پایان}

subtlety ^{بارقه بینی و ظریفی}

mere ^{فردان، انحصاری و تنها}

disdain ^{احسان و کفایت}

millet

receptiveness

thrive

profound = far-reaching

desiccation ^{خشک کردن}

edifices ^{عمارت}

circumstantially ^{حرفه و تفصیلاً}

implicate ^{دولت کردن، متهم کردن}

flourish

coerce ^{ناگزیر کردن، اجبار و ااد کردن}

demise ^{مرگ و وفات}

tectonic ^{زمین‌شناسی}

*retreat ^{کنده کشی و عقب نشینی کردن}

pull back ^{عانع، بازداشت و عقب کشیدن}

torrid ^{گرم و خشک}

cripple ^{لنگ و ناتوان کردن}

cope ^{از پس بردن، مقابله کردن}

conventional ^{مقرر اداری و رسمی}

eradicate ^{از بین بردن}

relic ^{بقیه و یادگار}

tide ^{انفجار احساس و غرور}

adorn

conceivably

recede ^{بازگشت کردن}

detractor

gully ^{گود، گودال، کنده و دره}

permafrost

crumble ^{ترک شدن، زرد شدن}

persuasively ^{تلقین، متقاعد کننده}

impetus ^{التهام و ترقی}

paucity ^{محدودیت، کمبود}

justify = support

objective ^{مقصود و هدف، عینی، منطقی}

compel = persuasive = coerce ^{مجبور کردن و ااد کردن}

inconsistency

vulnerability

implicant ^{دولت کننده یا جان کننده}

blaze ^{مشتعل و زرقان}

drench ^{صیانه کردن و آب زدن}

barren ^{ند، عقیم، بی و بی مهر}

spore ^{هسته}

flank ^{بغل، طرف، ضلع}

bowel ^{شکم و اعضای اندرون}

multiply ^{چند کردن و تکثیر کردن}

propagate ^{نشر کردن و رواج دادن}

settle down = based on oneself

dandelion ^{قاصدک}

buoyant ^{سند و سبک، خوش حال}

vicissitude ^{تغییر و تنوع، غلظت و تنگی}

immersion ^{غوطه بردن}

stalk ^{ساق و ساقه، ریشه}

dynasty ^{سلطه و دورمان}

delineate ^{مشخص و تعیین کردن}

ornament ^{زینت و آرایش کردن}

deliberate ^{عمداً انجام دادن، اندیشه کردن}

instigate = cause ^{برانگیختن، تحریک کردن}

pomegranate ^{انار}

crane = derrick

emblem ^{نماد، علامت و نشان}

obscure ^{تیره و مبهم و ناگهانی}

leap ^{دویدن و جست و خیز}

undergo = experience ^{تجربه کردن، متحمل شدن}

suffer ^{دستبردن و محنت کشیدن}

go through

تهران: میدان امام حسین (ع) خیابان دماوند نرسیده به پل نارمک نبش خیابان زرکش جنب پلاک ۸۶۴.

immense ^{عالی و عظیم}
 build up ^{جمع کردن، ساختن}
 ambient ^{محیطی، گاموشی}
 intrigue ^{کنش و کشش، ترفند}
 erratic ^{unpredictable}
 deliberation = discussion
 reclamation ^{استرداد، بازسازی}
 peasant ^{عبد، دهقان}
 ravage ^{تخریب، ویران کردن}
 weave ^{بافتن، بافت}
 remuneration ^{اجرت، پاداش}
 meager = very low
 equivalent ^{هم ارز، برابر، معادل}
 guilt ^{گناه، احساس گناه}
 authorize ^{اجازه دادن، تصدیق}
 investor ^{سرمایه دار}
 infusion ^{تزریق، ریختن}
 manifest ^{ظاهر، آشکار}
 rigid ^{سخت، محکم}
 deity = God ^{خدای، استغاثه کردن، عبادت کردن}
 debase ^{ترک و ریزش، تضعیف}
 temple ^{معبد، عبادتگاه}
 pegged out = ^{مردا، خسته}
 grind ^{کوبیدن، ساییدن، چرخاندن}
 squat ^{قوز کردن، خم شدن، (پایه)}
 perplex = puzzle ^{متعجب کردن، گیج کردن}
 flutter ^{بال زدن، دراز کردن}
 surmise ^{فرض کردن، حدس زدن}
 compass ^{قیاس، اندازه گیری}
 compassable ^{قابل اندازه گیری}

preposterous ^{غیرممکن، نامعقول}
 impose ^{تعیین کردن، اعمال کردن}
 impose on = place on
 take adv of
 cheep
 peep
 versus ^{در مقابل، در برابر}
 offspring ^{فرزند، نسل}
 sibling
 propagate ^{پراکندگی، گسترش}
 stencil
 assumption ^{فرض، پنداشت}
 fracture ^{ترک، شکاف، شکستگی}
 cut
 rib ^{دنده، ریه}
 tress
 crescent
 Knap
 criteria = standard
 habilitate
 asymmetric
 aural
 triumph
 Simultaneous
 startle
 suppress
 retard
 retarded

inadequacy
 synchronization
 amplification
 broadcast
 dual
 prohibitive
 swift
 coordinate with
 offish
 endow
 providing
 entail
 disperse
 gripe
 rapport
 interlock
 ostracize
 elicit
 conform
 algae
 fungus
 attest
 deprive
 circadian
 drift
 squirrel
 diverse = various
 evolve + into = to come forth
 from = to develop
 dreg

proportionally
نسبت به اندازه

feasibly = practically

feasible ممکن است

gut = hollow out

lie over

subside seep into = percolate from = permeate leak

initially

circulate + through

corrode - corrosion

expeditiously = quickly & efficiently

anomaly = sth unusual

strick

incompetence

devastation = destruction

inherent + by

constraint = restrict

dispose of = get rid of

disposal

hike

crude

restraint

arbitrate

arbitrary

denominator

reduceable = degradable

unquestionable = indisputable

intervene = to come between

mediator

dispute

intervention

intuition

recede

recession

recessive

foyer

subconscious

bias

slant

devout

contemplate

deity = to worship as a God

ecclesiastic

exalt = praise or honor

exaltation

pious

piety - piously

virtue

reverence

heathen

amoral

apathetic

tenacity

Patriarch

haunt

horro - horrify - horrific

disgust

rend

invoke = to call on for support

hold out

invocation

phantom - phantom

perpetuate

purge

scuffle

superstitious

predispose

arrogance

wrath

eternity

idle

fission

trigger

set off = initiate

consultant

smuggle

vigilance

No. 121 SARAFZADEH ALLEY

SEPAHBOD GHARANEE Ave. TEHERAN

TEL. 820895

تهران : خیابان سپهبد قرنی نرسیده به خیابان طالقانی

کوچه صرافزاده پلاک ۱۲۱ طبقه اول

تلفن ۸۲۰۸۹۵

Pilgrimage زيارت / سفر

aggravate-aggravation

decrepit مسنن و ضعیف

despite کینه در بین، با وجود این

forensic کالبد شکافی، پزشکی

prognosis پیش بینی، تشخیص

grim ترسناک و غمناک

inflict منجر کردن، تحمیل کردن

pass away درگذشتن

autopsy کالبد شکافی

inherit وارث شدن

implantation کاشتن، بکار بستن

obese-obesity = excessively overweight

abdomen شکم و بطن

tie up بستن، وصل کردن، درگیر کردن

anesthetic بیضهوش / بی حس کننده

anesthesia بیضهوشی

augment افزاینده، زیاد کردن، تقویت

scar جای زخم، شکار اثر زخم

armpit زیر بغل

swell متورم شدن، باد کردن

compass قطب نما، راهنما، مصلحت

mess up = destroy ruin

chaotic به هم ریخته، بی نظم

bleak متورمی، خفگی

blurry = dim/hazy

peek نگاه درازانه و زیرکی

hint اشاره، کنایه، پند

vitality زنده گی، انرژی

vibrant پر طراوت و جان، رنگارنگ

bloom شکوفه، بهار، جوانی

utter حرف زدن، ادا کردن

prism منشور

beam شعاع، پرتو، تابش

rainbow رنگین کمان

stale متراکم، متراکم، خسته

compile گردآوری، گردآوری

bulletin بولتن

humming زنبور، زنبور

pollinate-pollen گرده افشانی

recapture بازگرفتن، بازگشت

lifespan طول عمر

neatly به گونه ای منظم و مرتب

fuse گداختن، آمیختن

aquatic آبی، دریایی

mollusk حلزون

notion تصور، مفهوم، نظریه

uncanny غیر طبیعی، ترسناک

narration روایت، داستان

straightforward مستقیم، صریح

incentive انگیزه، ترغیب، تحریک

pipe up / ساز زدن، ساز زدن

torch شمع، چراغ

charcoal ذغال، زغال

fuss اعتراض، دعوای

stack دوده، دوده

radical رادیکال، رادیکال

groom = preen به خود بافتن، آراستن

get ruffled برآشوبیدن، برآشوبیدن

displacement تغییر مکان، جابجایی

perch تکیه، تکیه، تکیه

self-reliance خود اعتمادی

conformity انطباق، مطابقت

catch a glimpse نگاه آتی، اجمالی و فوری

conviction محکومیت، مجرمیت

municipal شهرداری

goof off = lazy person / irresponsible person

scratch خراشیدن، خراش

slippery لغزنده، لغزنده

tilt کج شدن، کج کردن

subsidy کمک، یاری

altruistic نوازش، نوازش

patron مشتری، حامی، حامی

plaque تابلو، نشان

supplement مکمل، الحاق

camouflage استتار، مخفی کردن، پوشش

fledgling جوان، تازه پرواز کننده

lag تاخیر، کند شدن، کند شدن

incidence انتشار، بروز، وقوع

pine طایح - غم و اندوه، نگرانی، غمناک

correlate همبستگی، ارتباط

canny زیرک و عاقل

prime اول، عمده / نخستین، و اما نه و بهترین

survive زنده ماندن، بقا

literacy سواد خواندن و نوشتن

societal اجتماعی

affluence ثروتمندی، رفاه

peddler دستفروش

cyclotron ذره شکن

overwhelm برابری کردن، غلبه، غلبه

knack مهارت، فن، فن

illusion تخیل، توهم، توهم

thunder تندر، رعد، آسمان خراش

thaw آب شدن، گشایش، گشایش

surpass = outdid پیش از، بهتر از

privilege امتیاز، مزیت، جانشین

desolate ویران، متروک، متروک

monsoon موسم بارانی

torrential سیلاب

Pan استغراق کردن - به هم آمیختن، به هم آمیختن

rodent جانور صحرایی

shallow کم عمق و سطحی

discreteness تجزیه‌پذیری

burrow پنهان شدن، پناهگاه

awk باز و خشن، دور از لری برین

muffle ساکت کردن، خاموش کردن

limb عضو بدن، بازو، پا

squash کوبیدن و زیر کردن

gummy چسبناک، لزج، خمیرناز

nightshade آبله

inedible غیر قابل خوردن

subsist زیستن، ماندن

soar (ed) بلند پروازی کردن، بالا رفتن

ambitious جاه طلب

merchandise کالا

decompose

clog گره زدن، هموار کردن، کند کردن

barricade مانع، سد کردن

lay off صوفی راضی

sew دوختن

sewer مجرای فاضلاب

twinkle چشمک زدن

analogy مقایسه، تشبیه، تمثیل

fecundity باروری، حاصلخیزی

fidelity وفاداری، صداقت

mutation جهش، جهش‌ناهنی

correspond (with) رابطه داشتن، مطابقت داشتن

correspond برابر و هم‌اندازه بودن

mantle پوشش، بالوش

comet ستاره دنباله دار

perpetually دائماً، همیشه

self-sustaining خود پرور

wavelength طول موج

spectral طیفی، پرتی، رنگی

curator نگهبان، مقصد

authentic صمیمی، موثق، قابل اعتماد

varnish لاک، صیقلی کردن

infrared اشعه مادون قرمز

invasive متهاجم، متجاوز

fleck نقطه، خال، لکه

folk مردم، گروه، ملت و قوم

fairy پری، جادوگر

thread نخ کردن، سوزن کردن

trait ویژگی، خصوصیت، نشان

communal اشتراکی، همگانی

royalty حق امتیاز، حق

tailor خیاط، درزنی کردن

tailored برانزده، درخور و مناسب

zillion عددی بسیار

boom & bust رونق و رکود

novetly تازه، نو

exotic لذت‌بخش، بیگانه، نرزه

thrill هیجان، هیجان‌انگیز

commodity کالای، جنس

mortgage رهن، گزینش

bidder پیشکش کننده (از طرف خریدار)

panic وحشت و اضطراب (آنانس)

collapse متلاشی شدن، آوار شدن

overheard = hear by chance

pitch in با همی و همت شروع به کار کردن

pill شروع به غذا خوردن کردن

pill دارو، دانه

versatile همه کاره و چابک، زیر، روان

uninformed بی اطلاع و جاهل

incite تحریک کردن، انگیزش، با امر و تار کردن

furious متعصب، عصبانی، خشمگین

reversal برعکس، وار کردن

obligatory ضروری، لازم و واجب

denouement نقطه اوج

lucent روشنی و شفاف

bat صوب و عصا، خشت، چوبه بال داشتن

echolocation پژواک جایی

miff (moff) خشمگین، زود رنج

pitch تمام، درج، پرت کردن

clutter درهم ریختگی، درهم درج

fain خنود، ناچار، معالی

glove دستکش

hook up = conned to a central system

hook = قلاب، به نام انداختن، گزینش

utensil وسیله و ظروف و لوازم آشپزخانه

Peel پوست کنیدن یا انداختن، خیل، نرزه چوبی

adhere چسبیدن، وفادار بودن، پیوسته بودن

تهران: میدان امام حسین (ع) خیابان دماوند نرسیده به پل ناهنگ نبش خیابان زرکش جنب پلاک ۸۶۴